

شهرزاد... عکاسی که شاهد است!

گفتگوی پیوند با شهرزاد ارشدی

به انگیزه برگزاری

نمایشگاه عکس

شهرزاد ارشدی و ژوزه لامبر

در مونتریال

از ۲۷ سپتامبر تا ۶ اکتبر ۲۰۰۲

در محل Centre Castelneau

7399 St-Laurent

بابک سالاری

شهرزاد ارشدی فعال جنبش زنان، اولین نمایشگاه عکاسی خویش را با همراهی خانم Jose Lambert عکاس کبکی، برنده جایزه صلح برای هنرمندان ۱۹۹۸ و فعال اجتماعی در امور خاورمیانه، با موفقیت چشمگیری در مرکز Castelneau برگزار نمود.

شهرزاد عکاسی را با ادامه تحصیل در انستیتو عکاسی داسون، با علاقه فراوان در طی چهار سال گذشته دنبال نموده است. ذهنیت اجتماعی و فرهنگی، پس زمینه سیاسی، نوعی شیفتگی به سمت عکاسی مستند را در او دامن میزند. نوعی از عکاسی که تاریخ به مشکلات اجتماعی، فرهنگی انسانها نظر داشته و دارد. با پیش آمدن حوادث ۱۱ سپتامبر و فریادهای جنگ طلبانه آمریکا و تحمیل انواع و اقسام قوانین غیرانسانی به مردم افغانستان و فلسطین، شرایط جدید جهانی بوجود آمد که بی شک همه انسانهای آگاه و حساس را به تأمل و اندیشه کشانید! تظاهراتهای ضد جنگ، و طرفدار از مردم فلسطین در طی یکسال گذشته خیل وسیعی از افکار عمومی را به صحنه عمل فرا خواند.

شهرزاد با دوربین اش در این فعالیتها شرکت می کند و سرانجام به این نتیجه میرسد که به مدت یک سال هر هفته تظاهرات «اتحاد یهودی ها و فلسطینی ها» را به تصویر بکشاند. آشنایی او با Jose زمینه پروژه مهمتری را بین دو همکار فراهم می نماید که امروز در مرکز casterneau دیده می شود.

زمان و مکان، تم اصلی تصویرهای هر دو عکاس را تشکیل می دهد.

تا همین جا جدا از کیفیت هنر و تکنیکی کار، Jose و شهرزاد دوش بدوش، علیرغم تفاوت در دید و سیاست، بمدت ۵۲ هفته اثری ارزنده در تاریخ مبارزات مردم برای صلح و آزادی به ثبت رسانده اند، اثری که فعالیت آگاهانه صدها انسان را در لحظات مختلف، در یک نمایشگاه در اختیار افکار عمومی قرار می دهد، و بدینگونه نمایشگاه (عکاسی) به عنوان سندی، گوشه ای از جای خالی مطبوعات مستقل را پر می کند.

روز بعد از نمایشگاه شهرزاد ارشدی را به گفتگوی کوتاهی دعوت نمودیم که فشرده آنرا در اختیار خوانندگان پیوند قرار می دهیم:

پیوند: هدف اولیه این نمایشگاه چه بود؟ با چه انگیزه و امکاناتی شروع بکار کردید؟

شهرزاد: از یک طرف بعد از ۱۱ سپتامبر و تبلیغات جنگ طلبانه آمریکا، تاثیرات این تبلیغات بر روی افکار مردم عادی، حمله به افغانستان، لشکرکشی ارتش شارون به شهرک های فلسطین نشین، و از طرف دیگر آکسیون های برای صلح و آزادی فلسطین، باعث شد تا من به همراه Jose Lambert (J.L.) این پروژه را تدارک ببینیم.

پیوند: از زمینه آشنایی با J.L. تقسیم کار نهایی و اینکه چه کسی چه کاری باید انجام بدهد، کمی برایمان توضیح بدهید؟

شهرزاد: من شنیدم گروهی است بنام «اتحاد فلسطینی ها و یهودی ها» که از سال ۲۰۰۰ هر جمعه از ساعت ۱۲-۱۳ روبروی سفارت اسرائیل جمع می شوند، و همبستگی خویش را با مردم فلسطین اعلام می نمایند. برای من حرکت این گروه جالب توجه بود. تصمیم گرفتم هر جمعه در آکسیون آنها شرکت کنم و در عین حال آنها را مستند نمایم.

هفته دوم که برای تظاهرات رفته بودم با J.L. آشنا شدم. او دلیل عکس گرفتنم را پرسید، من هم برایش توضیح دادم. او نیز گفت من هم هفته بعد دوربینم را خواهم آورد. برخورد اولیه او برایم جالب بود، و قرار بر این شد که به مدت یکسال پروژه مستند کردن این جمع را با هم انجام دهیم. طرح اولیه این نمایشگاه این چنین پروراند شد. من بشکل مستقل، اکثریت تظاهرات های برای صلح را هم عکسبرداری می کردم.

در حقیقت این تقسیم کار اولیه بود که بدون هیچ طرح اولیه ای بدون هیچ نقشه قبلی بین ما بوجود آمد. اما چندی پیش گروه کبکی بنام «انجمن کبکی سازمان های همکاری جهانی» (AQOCI) از ما دعوت کرد که نمایشگاهی از این تصاویر برای آنان برگزار نماییم، که ما هم پذیرفتیم. این نمایشگاه حاصل یک سال (یعنی ۵۲ هفته) کار بود.

مطلبی را می خواستم اضافه کنم، ما نمی خواستیم این نمایشگاه هم زمان با ۱۱ سپتامبر برگزار شود. قصد ما خنثی کردن گوشه ای از تبلیغات یک طرفه مطبوعات وابسته و ثبت تلاش های صلح جویانه انسان های مستقل بود. درعین اینکه در اوایل کار هیچ مطمئن نبودیم که آیا این عکس ها جایی مطرح می شوند!

پیوند: برچه اساس تصاویر را به کمپوزیسیون افقی و عمودی یک درمیان تقسیم نمودید؟!

عکس های تو با شال فلسطینی و افقی است، در حالیکه عکس های J.L. عمودی است!؟

شهرزاد: در مورد این تقسیم بندی باید بگویم که یک جایی من تصمیم گرفتم علاوه بر عکس برداری از آکسیون «اتحاد یهودی ها و فلسطینی ها»، تمرکز را بگذارم روی سوژه هایی که «شال فلسطینی» دور گردن خویش دارند، در حقیقت این کار یک دلیل شخصی هم داشت. من به مدت ۶ سال در محله یهودی Carlton موتوریال زندگی می کردم. در طی این ۶ سال با یهودی ها رابطه بسیار خوبی داشتم. و هرگاه از کنار آنها رد می شدم با هم احوالپرسی می کردیم. یک روز هنگام رفتن به تظاهرات «روز جمعه» در حالیکه شال فلسطینی ام را دور گردنم بسته بودم از مقابل یکی از همسایه ها گذشتم. او با وحشت دست بچه هایش را گرفت و کنار خیابان ایستاد، و با نفرت عجیبی به من نگاه کرد.

عکس العمل همسایه یهودی ام در مقابل «شال فلسطینی» و اینکه یک تکه پارچه چگونه می تواند باعث نفرت عده ای بشود مرا بفکر فرو برد. لابد شال فلسطینی سمبل «تورریسم» است و من می خواستم از آن بعنوان سمبل مقاومت و مبارزه مردم فلسطین استفاده نمایم. در این مجموعه انسان هایی با پس زمینه های متفاوت، هنرمند، دانشگاهی، کانادایی، کبکی، سیاه و سفید با پوشیدن این شال، همبستگی جهانی شان را با مقاومت فلسطین اعلام می نمایند. این همین را نشان می دهم.

پیوند: پرتوهای «عمودی» در عکاسی از دینامیزم بیشتری برخوردارند، خصوصاً اینکه قرار است حرکتی مبارزه جویانه نشان داده شود. چرا کمپوزسیون های تصاویر را افقی انتخاب نموده ای؟

شهرزاد: من پرتو را افقی دوست دارم. نمی دانم، بنظرم قشنگ تر است. دلم می خواست فضایی جلوی صورت آدم ها باشد، فضای بازی که بوی امید و آینده و روشن داشته باشد.

پیوند: انتخاب تصاویر، پیوند و رابطه فیزیکی، هماهنگی بین عکس ها و نهایتاً اینکه چگونه تصاویر همدیگر را تکمیل می کنند، از چه زاویه ای صورت گرفته است؟! من مطمئن نیستم بین عکس ها هماهنگی هست؟

شهرزاد: عکس های J.L. از روی انتخاب هفته ها و زمان بود. عکس های من بر اساس مکان بود. با رنگ بر روی نقشه، اماکن مشخص شده اند. قرار گرفتن عکس در کنار یکدیگر را زمان و مکان تعیین می کند.

پیوند: فکر می کنم اکثریت سوژه های تو از خاورمیانه و یا آنطرف انتخاب شده اند، اما J.L. بیشتر از اینجایی عکس برداری کرده است؟

شهرزاد: بنظرم سوژه های من هم متفاوت هستند. همه جوری انسان دیده می شود و من هم آنها را دوست می دارم. ولی کسانی که از خاورمیانه آمده اند، نگاهشان یک نگاه متفاوتی ست. در کنار غم، امید را هم می توان دید، دلیلش شاید این بوده است.

پیوند: این نمایشگاه مجموعه است از ۱۰۴ قطعه عکس که همگی بدون فاصله در کنار یکدیگر نصب شده اند. از بین بردن فاصله در نصب تصاویر، به غیر از مسئله محدودیت فضا، چه چیز دیگری را تداعی می کند!؟

شهرزاد: از بین بردن فاصله در چیدن عکس ها در کنار یکدیگر، تداعی جریان وقفه ناپذیر مردم برای صلح است، و اینکه این مبارزه، مبارزه ای پی گیر است و مثل یک زنجیر ادامه دارد!

پیوند: اینجایی ها نگاهشان متوجه دوربین است و با حضور دوربین هم هیچگونه مسئله ای ندارند، برعکس «آنجایی»ها به دوربین نگاه نمی کنند. و دیگر اینکه حضور تو بعنوان «فعال» شرکت کننده در تصاویر لمس نمی شود. تو جزئی از حرکت بوده ای و همراه، بنظرت دلیلش چیست؟

شهرزاد: من از لنز بلند استفاده کرده ام، تا با سوژه هایم فاصله داشته باشم، و به عمد نمی خواستم با حضورم وارد حیطه شخصی و احساسی آنها بشوم و جلوی حالات آزاد آنها را بگیرم. از این رو از لنز بلند استفاده کردم. ولی بهر رو بعضی ها هم متوجه دوربین هستند.

اما با جدایی خودم از سوژه ها موافق نیستم. من فکر می کنم به سوژه ها نزدیک هستم. در عکاسی می گویند می بایست به سوژه نزدیک شد، تا جزیی از آن بود، اما در یک سال گذشته خلاف این برای من ثابت شد. هرگاه که به موضوع نزدیک می شوم، احساس را از او می گیرم و دیگر آن چیزی که می خواستم، نخواهد بود.

پیوند: منظور از نزدیکی، لزوماً نزدیکی فیزیکی نیست، بلکه حسی است و ثبت لحظه «قطعی» در هر فاصله ای است. به این معنی که عکاسی جزیی از پروسه باشد و این حس را ایجاد کند. عکاسی که شاهد است، جزیی از این لحظه است و لنز بلند این خصوصیت را از عکاسی می گیرد و همه چیز فشرده شده است...

شهرزاد: این یک بحث نظری است و می تواند برای هر کسی عملکرد متفاوت داشته باشد. برای من ثابت شده است که غلط است. کسانی که به من نگاه می کنند و می خندند، تصاویرشان را با لنز ۲۸ میلیمتری و ۵۰ گرفته ام. من به آدم ها نزدیک بودم. نزدیکی دوربین آدم ها را در موقعیت قرار می دهد. بهررو این یک بحث تکنیکی است، و کار هنری خیلی احساسی است و من ترجیح می دهم احساس شخص را بیان کنم، تا آنچه را که خودم می خواهم.

پیوند: به نظرت کارتان چقدر موفق بوده است؟ آیا از نتیجه کار راضی هستی!؟

شهرزاد: در ابتدا خیلی نگران بودم. هدف ما ارائه پیامی برای مردم فلسطین بود و اعلام این همبستگی، و اینکه به لحاظ هنری کار خوبی ارائه دهیم. برای من مهم بود که سه تا از دوستانم برای دیدن این نمایشگاه بیایند. آنها فعال سیاسی نیستند، ولی هنرمندان خوبی هستند، نگاه هنری بسیار بااهمیتی دارند. عکس العمل آنها، من و J.L. را بسیار خوشحال کرد. آنها باعث تشویق ما شدند. این نمایشگاه با عجله ترتیب داده شد و شاید در آینده کمی آن را تغییر بدهیم. کلا هر دوی ما از نتیجه کار راضی هستیم.

پیوند: عکاسی مورد علاقه ات به غیر از مستند چیست!؟

شهرزاد: من به عکاسی مستند علاقه دارم. فکر می کنم حقیقی تر از بخش های دیگر عکاسی است. در عکاسی مد همه چیز مصنوعی است، نور، آرایش، لباس... عکاسی مستند کسی را رنگ نمی کند، و بیشتر لحظه را ثبت می کند و آنچه را اتفاق می افتد...

پیوند: از عکاسان مورد علاقه ات بگو

شهرزاد: از ریچارد اودن خوشم می آید.

پیوند: اودن که آدم ها را رنگ می کند!

شهرزاد: «آمریکن وست» او جالب است. نوعی مستند از آدم های مختلف و رنگارنگ است. به «پن» علاقه دارم. کارهای فوق العاده دارد. بابک سالاری عکاس خوبی است، (خنده) جدی می گویم. عکاس ایرانی، یاسمن عامری را دوست دارم.

پیوند: از برنامه بعدی ات بگو

شهرزاد: از مادر بزرگ های کانادایی که ۶۰ سال به بالا هستند و لباس های رنگارنگ با پیش بند می پوشند، و برای صلح آواز می خوانند، می خواهم پروژه های فراهم کنم.

پیوند: با آرزوی موفقیت در کارهایت و نمایشگاه های بعدی